فاطمه(س) الگوي جاودانه‏

فاطمه کريمي

تمثلت رقيقة الوجود

لطيفة جلّت عن الشهود

تطورت في افضل الاطوار

نتيجة الادوار و الاکوار

تصوّرت حقيقة الکمال‏

بصورت بديعة الجمال‏

فانها الحوراء في النّزول‏

و في الصعود محور العقول[1]

اشاره‏

نوشتار حاضر نگاهي است کوتاه به زندگي دخت نبي اکرم(ص) ، عصاره خلقت‏حضرت صديقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله عليها. شناخت بيشتر زندگي و خصائل وفضائل آن بانوي نور و روشنايي، معرفت ما را به دين مبين اسلام و آموزه‏هاي نبي‏گرامي‏اش بيشتر مي‏کند. اين آشنايي مقدمه‏اي خواهد شد براي عمل بدانچه خداوند مارا بدان فراخوانده است. حضرت زهرا سلام الله عليها الگوي برتر خداوند براي همه‏زنان عالم و در همه زمانهاست، امّا اخلاق، عبادت، رفتار و سخنانش، براي همه مردم،اعم از مرد و زن، راهگشا و هدايتگر است.

مقدمه‏

انسان ديني، طالب رسيدن به برترين قله‏هاي کمال است و گرايش‏هاي‏فطري و قدسيِ اين مخلوقِ برگزيده، برترين ظرفيت‏هاي تعالي و آسماني‏شدن را برايش به ارمغان مي‏آورد.

در اين ميان الگوهاي متعالي نقش زيادي در پيمودن اين مسير آسماني‏ايفا مي‏کنند. اهل بيت عصمت و طهارت چراغ‏هاي هدايتي هستند که درظلمت‏کده‏هاي ماديت و نفسانيت، طريق سعادت و راه رستگاري را روشن‏نموده‏اند. در بين اين چراغ‏هاي هدايت و کشتي‏هاي نجات، نقش جاودانه‏حضرت زهرا(س) ممتاز و يگانه است. موجودي ملکوتي که در عالم به صورت‏انسان ظاهر گشته و جلوه‏هاي معنوي و ملکوتي، همه در اين انسان الهي جمع‏گرديده است. مقام معظم رهبري نيز در تبيين اين مقام والا در عرصه الگودهي‏مي‏فرمايد:

اسلام نه تنها حقوق و مرزها و ايده‏آل‏هاي مربوط به زنان را مشخص نموده است‏بلکه الگوهايي را که بر اساس اين آموزه‏ها پرورش داده در معرض نگاه و ارزيابي وتبعيت قرار داده است. زنانِ نمونه کم نيستند، اما گل سرسبد زنان عالم، فاطمه‏زهرا(س) است.[2] اگر چه عمر مبارک آن حضرت کم بود. ليکن برکت ودرخشندگي و جامعيت آن در همه عرصه‏هاي زندگي از جهاد و سياست و خانواده واجتماع آن را ممتاز و بي‏نظير ساخته است.[3]

آري او هم چون پدر خويش اسوه حسنه است و براي آنان که به خدا و روزقيامت اميداورند و خدا را بسيار ياد مي‏کنند الگويي مناسب است. بدين سان‏تأسي به اين الگوي مقدس و آسماني مي‏تواند نجات‏بخش و تضمين کننده‏سعادت باشد. اين مقاله مي‏کوشد بعضي از ويژگي‏هاي اين الگوي مقدس را ارائه‏نمايد.

1. ولادت و نسب خانوادگي‏

در بيکرانه‏ي آفرينش، شگفتي‏هايي وجود دارد که متفکران و عاقلان را به‏خضوع و خشوع وامي‏دارد. يکي از اين شگفتي‏ها، وجود و خلقتِ صديقه‏طاهره، ريحانه‏ي نبي است. او که نورش از خدا و در درون ميوه بهشتي قرارگرفت[4] و در دوران جنيني با مادر سخن گفت و او را دعوت به صبر نمود:

يا امّاه لا تحزني و لا ترهبي فانّ اللّه مع ابي.[5]

مادر جان اندوهگين مباش زيرا پروردگار جهانيان يار و ياور پدرم رسول اللّه است.

آنگاه که توسط زنان بهشتي متولد شد و با آب کوثر شستشو دادند و بالباسهاي حرير سفيد بهشتي پوشاندند، لب به سخن گشود و فرمود:

اشهد ان لا اله الا الله و ان ابي رسول الله سيد الانبياء و ان بعلي سيد الاوصياء وولدي سادة الاسباط.[6]

آنگاه فاطمه بر حضار که جمعي از زنان بهشتي‏اند سلام مي‏کند و هر کدام رابه اسمشان نام مي‏برد و بر روي همه لبخند مي‏زند. اهل آسمان يکديگر را به‏ولادت فاطمه(س) بشارت مي‏دهند و نور او آسمان را روشن مي‏کند. زنان‏بهشتي، فاطمه(س) را به مادرش خديجه(س) مي‏دهند و مي‏گويند:

خذيها يا خديجه، طاهرة مطهّره زکيةٌ ميمونه بورک فيها و في نسلها.[7]

در سن کودکي که مادر را از دست داد از پدر سؤال کرد: (يا ابة اين امّي؟پدرجان، مادرم کجاست؟) جبرئيل نازل شد و فرمود:

يا رسول الله، سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خديجه درخانه‏هاي بهشتي با آسيه و مريم زندگي مي‏کند.

آنگاه که پدر اين بشارت را به او داد، حضرت زهرا(س) فرمود:

اِنّ الله هو السلام و منه السلام و اليه السلام.[8]

1 - 1. پدر فاطمه(س)

مشهور در نسب حضرت رسول اکرم(ص) اين است: محمد بن عبدالله‏بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصي بن کلاب مرة بن لوي...اسماعيل بن ابراهيم الخليل... سام بن نوح... شيب بن آدم.[9]

و ابن بابويه به سند معتبر از جابر بن انصاري نقل کرده که حضرت‏رسول(ص) فرمود:

من شبيه‏ترين مردمم به حضرت ابراهيم(ع) و ابراهيم شبيه‏ترين مردم بود به‏آدم در خلقت و خلق و حق تعالي مرا از بالاي عرش عظمت و جلال خود به دَه نام ناميدو صفت مرا بيان کرده و به زبان هر پيغمبري بشارت مرا به قومشان داد و کلام خود رابه من تعليم کرد.[10]

1 - 2. مادر فاطمه زهرا(س)

خديجه از پدر و مادر قريشي متولد شد. پدرش (خويلد بن اسد بن‏عبدالعزي) مادرش فاطمه دختر (زائدة بن اصم) بود که سلسله نياکانش به(لؤي بن غالب بن فهر) مي‏رسيد. دودمان مادربزرگش، هاله دختر(عبدمناف بن حارث) نيز به لؤي مي‏رسد.[11] بدين ترتيب خديجه چه ازسوي پدر و چه مادر از خاندان اصيل و ريشه‏دار جزيرة العرب مي‏باشد.

1 - 3. فاطمه(س) شبيه‏ترين فرد به رسول خدا(ص)

دخت نبي مرسل(ص) شبيه‏ترين فرد به پدر خويش است از حيث ذاتي وظاهري، قيافه و چهره، افعال و حرکات، اخلاق و صفات، آفرينش و حتي در روح‏به مانند پدر است. ام‏سلمه مي‏گويد:

فاطمه شبيه‏ترين مردم در صورت و خلقت و سيرت به رسول الله(ص) بود.[12]

و شباهت از طريق روح و وجود را خود پيامبر معترف است و مي‏فرمايد:

هي بضعة منّي، هي قلبي و روحي التي بين جنبي فمن اذاها فقد اذاني و من اذاني فقدآذي الله.[13]

ترجمه: فاطمه پاره تن من است قلب و روح من است که بين دو پهلوي من است‏هر کس او را آزار دهد، مرا آزار داده و هر کس مرا بيازارد خدا را آزرده است.

2. فضايل فاطمه(س)

2 - 1. فاطمه(س) غايت خلقت‏

در حديث قدسي است که خداوند خطاب به نبي مکرمش فرمود:

لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علي لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما.

ترجمه: اي پيامبر اگر تو نبودي افلاک را خلق نمي‏کردم و اگر علي نبود تو را خلق‏نمي‏کردم و اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمي‏آفريدم.[14]

2 - 2. فاطمه(س) کوثر قرآن[15]

فاطمه، کوثر قرآن است. آن زمان که داشتن دختر عار پدر بود فاطمه افتخارپدر بود. او ظهور قدرت خلقت است. خير کثير و عطاي بي‏منتهاي خداست. اوفاطمه است و از ديگران جدا و وجودش جلوه رحمت است. وقتي پدرش را ابترخواندند و رنجاندند او پا به عرصه زمين نهاد تا هدايت از وجود او و فرزندانش به‏جهان سرازير شود. او خير کثير و فاطمه زهراست.

2 - 3. فاطمه(س) مظهر طهارت و پاکي‏

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَکُمْ تَطْهِيراً. (احزاب: 33)

تأسي به فاطمه زهرا(س) افتخارآور است. چرا که او کسي است که‏معرِّف خورشيدهايي مي‏شود که تحت کساء هستند. وقتي آيه تطهير نازل‏مي‏شود از جبرئيل سئوال مي‏شود تحت کساء چه کساني هستند؟ مي‏فرمايد:فاطمه و پدر فاطمه، فاطمه و همسر فاطمه، فاطمه و پسران فاطمه. فاطمه معرِّف‏است و معرِّف بايد شناخته‏تر از معرَّف باشد. امام صادق(ع) فرمود:

ما حجت الهي بر مردم هستيم و فاطمه حجت الهي بر ما، در عظمت علمي و معنوي.

2 - 4. فاطمه(س) حقيقت ليلة القدر

امام صادق(ع) مي‏فرمايد: فاطمه(س) حقيقت ليلة القدر است،درک ليلة القدر، درک حقيقت فاطمه است که محل تلاقي دو ثقل يعني قرآن وعترت است.

2 - 5. فاطمه(س) طليعه بهشت‏

از حضرت ختمي مرتبت منقول است که فرمود: خداي سبحان، در انبياءبوي بهشتي قرار داده و در حوريان، گل ياس و در ملائکه بوي گل سرخ و دردخترم زهرا(س) هر سه بو را جمع کرده. و بايد که پيامبر با ديدن رخ‏زهرا(س) شاد شود و با بوسيدن دست زهرا(س) فرحناک چرا که اوطليعه بهشت است.

2 - 6. فاطمه(س) در بردارنده فضايل انبياء

برخي از محدثين در بيان فضايل حضرت زهرا(س) مي‏گويند:فاطمه(س) دربردارنده فضايل انبياست. چرا که:

2 - 6 - 1. فاطمه(س) و حضرت آدم ابوالبشر:

- آدم از خاک خلق شده حال آنکه زهراي اطهر از ميوه‏ي بهشتي.

- حضرت آدم، ابوالبشر است. اما زهراي اطهر ام المعصومين است.

- خدا جميع علوم ماکان و مايکون را به زهرا(س) داد و حاصل آن علوم‏همان مصحفي است که مهدي موعود ميراث‏دار آن است.

- حضرت آدم به نص قرآن به درجه اصطفي رسيد و پس از ترک اولي آنقدرگريست که بخشوده شد و درجه‏اش بالا گرفت ولي فاطمه اطهر، با آن عصمت‏کبرايي‏اش از خوف و خشيت الهي آنقدر گريست که ممدوح خداي سبحان شدو خدايش در عرش به او بر فرشتگان فخر و مباهات مي‏کرد.

2 - 6 - 2. حضرت نوح و فاطمه اطهر(س)

- دومين نبي اولو العزم، نوح(ع) است او پس از غرق شدن مردم گريان‏شد. زهراي مطهر نيز بعد از مرگ پدر، آنقدر گريست که در شمار بکائين قرارگرفت.

- نوح، مستجاب الدعوة بود و زهراي اطهر هم چنين، هر کس در کشتي نوح‏نشست نجات يافت و زهرا و فرزندانش نيز سفينه نجاتند هر کس به آنان‏تمسک کند نجات مي‏يابد.

2 - 6 - 3. حضرت ابراهيم و زهراي مرضيه(س)

- سومين نبي اولو العزم ابراهيم خليل الرحمن است. خدايش او را به مقام‏خلّت مي‏رساند در پاداش دو عمل. 1. هيچ سائلي را از خود نراند. 2. از هيچ کس‏غير خدا، درخواستي نداشت. و زهراي اطهر نيز هيچ سائلي را نا اميد نکرد؛ و ازغير خدا درخواستي نکرد.

2 - 6 - 4. موسي بن عمران و صديقه طاهره(س)

- چهارمين نبي اولو العزم موسي بن عمران(ع) است کليم الله شد چرا که‏در کوه طور با خدا سخن گفت. زهراي اطهر هم همواره در محراب با خدا تکلم‏مي‏نمود.

- بر موسي (منّ و سلوي) نازل شد و بر زهراي اطهر نيز چندين مرتبه‏غذاي بهشتي فرود آمد و اصلاً شاکله وجودي او نيز طعام بهشتي است.

2 - 6 - 5. عيسي روح الله و فاطمه(س)

- عيسي بن مريم در گهواره سخن گفت[16] و زهراي مرضيه حتي در شکم‏مادر با او سخن مي‏گفت و بعد از تولد نيز تسبيح و تحميد پروردگار مي‏کرد وشهادتين را بر لب جاري ساخت.[17]

- مادر حضرت فاطمه زهرا(س) و مادر حضرت عيسي(ع) هر دو اززنان برگزيده عالم‏اند.

2 - 6 - 6. حضرت ختمي مرتبت و فاطمه(س)

در شباهتش به نبي مکرم بي‏نهايت وجوه مي‏توان ذکر کرد در علم و عبادت‏و بخشش و انفاق و دلسوزي به امت. آن زمان که فرشته امين به پيامبرش وحي‏آورد که خداوند به تو سلام مي‏رساند و به زهرا نيز، و مي‏فرمايد: هر چه زهرابطلبد ما مي‏دهيم. زهرا عرض مي‏کند هيچ نخواهم مگر خدمت او را و بقاي‏رحمتش را آنگاه پيامبر دستشان را به آسمان بلند کرده و فرمودند (اللهم‏اغفر لامتي) و زهرا آمين گفت.

وحي شد که بشارت باد تو را که خداي تعالي دوستان زهرا(س) و دوستان‏ذريه زهرا همه را بخشيد. ولي زهرا که دلسوز امت پدر است به اين قانع نمي‏شودو عرض مي‏کند يا رسول الله سجلّي از خدا بخواه که ناگاه قطعه حريري نازل‏مي‏شود که بر آن نوشته بود (کتب ربکم علي نفسه الرحمة) . و از جمله‏وصاياي زهراي مرضيه به علي(ع) اين است که اين حرير را در کفنم بگذار تاوقتي روز قيامت شراره‏هاي آتش دوزخ زبانه مي‏کشد براي نجات دوستانم اين‏سجلّ الهي را ارائه دهم.[18]

2 - 6 - 7. فاطمه(س) اشتقاق يافته از نور اقدس الهي‏

دختر قلب عالم امکان، زهرا نام گرفت، چرا که نور او از نور عظمت خداي‏سبحان مشتق گرديده است؛ نوري که قبل از آفرينش آسمان و زمين،زينت‏بخش عرش خداست. نبي مکرم در اين باره مي‏فرمايد:

پس از آنکه نور فاطمه زهرا(س) مثل قنديل آفريده شد، خداوند او را درگوشواره عرش آويزان ساخت. پس زمين و آسمان‏هاي هفتگانه درخشيدند. از اين‏جهت است که فاطمه عليها سلام، زهرا ناميده شد.[19]

2 - 6 - 8. تسبيح[20] حضرت زهرا(س)

آن هنگام که از درد و رنج کار زياد به پيشنهاد همسرش، نزد پدر آمد تاخدمتگزاري طلب کند، عرق آزرم بر پيشاني نشسته و بدون ذکر درخواست ازمحضرش خارج مي‏شود. از اين رو حضرت امير خود درخواست را مطرح‏مي‏نمايد. پيامبر که دخت گرامي‏اش را به غايت مي‏شناسد مي‏فرمايد: اي‏فاطمه آيا تو را راهنمايي نکنم به چيزي که براي تو از خادم و دنيا بهتر باشد.عرض کرد: آري رسول خدا(ص) پس از آن، حضرت، تسبيح معروف را که‏بعد از نمازهاي يوميه و به هنگام خواب وارد است (تسبيحات حضرت‏زهرا(س) ) را به او تعليم داد.[21] روايات درباره اين تسبيح تا جايي است که‏امام باقر(ع) مي‏فرمايد: خداوند به چيزي بهتر از تسبيح فاطمه(س)عبادت نشده که هر روز بعد از نماز خوانده مي‏شود و اگر چيزي افضل از آن بودحتماً رسول خدا(ص) به فاطمه(س) هديه مي‏کرد.[22]

3. فاطمه(س) الگوي عابدان‏

در عظمت بُعد عبادي حضرت زهرا(س) پيامبر(ص) مي‏فرمايد:

او که به نماز مي‏ايستد، از عالم بالا سروش مي‏رسد که‏اي فرشتگان، به سوي کنيزمن بنگريد که بانوي همه کنيزان من است. ببينيد چگونه در برابر من تمام اعضاي‏تنش مي‏لرزد و دلش را به من داده. شما را گواه مي‏گيرم که پيروان او را از آتش امان‏بخشيدم.[23]

او حتي در اولين شب پيوند الهي‏اش با علي(ع) به عبادت وشب‏زنده‏داري برخاست و نماز شبش ترک نشد. چرا که اين پيوند الهي است ودر اينجا همه رابطه‏هاي مادي گسسته مي‏شود. پس از چندي که از اين وصلت‏آسماني گذشت نبي مکرم(ص) از علي(ع) پرسيد: (همسرت را چگونه‏يافتي؟ آيا از او راضي هستي؟) عرض کرد:

يا رسول الله (نعم العون علي طاعة الله) [24]، خوب ياوري است درطاعت خدا.

ريحانه نبي، آنقدر به عبادت خدا مي‏پرداخت که مايه فخر و مباهات عابدان‏گرديد و در روايت است:

ما کان في الدنيا اعبد من فاطمة کانت تقوم حتي تتورّم قدماها.[25]

در دنيا عابدتر از فاطمه يافت نمي‏شود او به حدي براي عبادت برپا مي‏ايستاد که‏پاهايش ورم مي‏کرد.

فرزند دلبندش امام حسن(ع) که نظاره‏گر حُسنِ جمالِ عبادتِ مادرِخويش است چنين مي‏گويد: (مادرم فاطمه را شبي ديدم که در محرابش‏ايستاده بود متوجه ايشان بودم آنقدر به سجده و رکوع رفت تا اين که سپيدي‏صبح نمايان شد، و شنيدم که براي زنان و مردان مؤمن دعا مي‏کرد و آنها را نام‏مي‏برد اما براي خودشان هيچ دعا نکرد. به مادرم گفتم: مادر! چرا براي خودتان‏دعا نکرديد؟ آن چنانکه براي غير خود دعا نموديد؟ پس فرمود: اي فرزندم! اول‏همسايه سپس خانه.) [26]

آن يگانه دوران همواره نگران امت پدر بود وقتي هم که در محراب عبادت‏مي‏ايستاد در حقّشان دعا مي‏فرمود. و حتي در آخرين لحظات عمر خويش،مشغول دعا بر گناهکاران شيعيان است. اسماء همسر جعفر طيار نقل مي‏کند:در لحظه‏هاي پاياني زندگاني حضرت زهرا(س) متوجه او بودم ابتدا غسل‏کرد و لباس را عوض نمود و مشغول راز و نياز با خدا شد جلو رفتم گوش فرادادم‏دستها را بر آسمان بلند کرده و چنين دعا مي‏فرمود:[27]

پروردگارا، به حق پيامبراني که آنها را برگزيدي و به گريه‏هاي حسن و حسين درفراق من، از تو مي‏خواهم از گناهکاران شيعيان من و شيعيان فرزندانم درگذري.[28]

او نه تنها در عبادت کردن الگوست که راه و رسم بندگي را نيز به نيکي‏مي‏آموزد و آنچنان با اخلاص در سجاده بندگي پيشاني مي‏سايد که عرشيان بر اوغبطه مي‏خورند. فاطمه اطهر(س) عبادتي را ممدوح مي‏شمارد که با اخلاص‏باشد و با توجه لازم رو به درگاه معبود يگانه آورده شود، در اين صورت است که‏محصول بسيار خواهد داشت:

من اَصْعَد الي الله خالص عبادته اهبط الله عزوجل اليه افضل مصلحته.[29]

کسي که عبادت‏هاي خالصانه خود را به سوي پروردگار فرستد، پروردگار بزرگ‏برترين مصلحت او را بر سويش فروخواهد فرستاد.

4. فاطمه(س) الگوي عفيفان‏

نگارگر خلقت، زن را چون درّي با ظرافت‏هاي بسيار خلق نمود و او را لباس‏مرد[30] و مونس و همدم او و بال پروازش قرار داد، و از سويي ديگر رسالت بزرگ‏تربيت فرزندان و مديريت خانه را بر دوش او نهاد. خداوند در اين نگارگري خود ورساندن آدميان به کمال و تعالي، زن را زمينه ساز اين تربيت الهي قرار داد. و ازدامن اوست که مردان بال و پر عروج مي‏گيرند[31] و اوست که مرکزِ کانونِ اين‏رشد و تعالي است.

بدين سان زن از (شي‏ء) و (ابزار بودن) و در خدمت اشاعه‏مصرف‏زدگي و استثمار و از خود عرضه کردن خارج شده و در جايگاه خطير خودبعنوان محوريت کانون خانواده قرار مي‏گيرد. در فرهنگ ديني زن، گوهري‏ارزشمند است و داراي جايگاهي رفيع که همگان بايد قدر او را بدانند و مقامش رامحترم شمارند. در نگاه ديني، زن مهجور از اجتماع و پرده‏نشين نيست.حضورش در اجتماع بلامانع است تا جائي که به خود و خانواده و ديگران آسيبي‏وارد نشود و با حضوري متعهدانه که بر پايه‏هاي ديني فرهنگي و اجتماعي‏استوار است مي‏تواند چرخه‏هاي اجتماع را هم دوش مردان به حرکت وادارد.اين حضور متعهدانه با حجاب و پوشش شکل مي‏گيرد.

حجاب و پوشش براي زن مصونيت‏آور است نه محدوديت آفرين، مصونيت ازضدارزش‏هايي که رشد و شکوفايي جامعه و انسان‏ها را محدود مي‏کند. در اين‏زمينه نيز بهترين الگو براي زنان، زهراي اطهر است او که سمبل عفت وپاکدامني و علم و دانش و... است. امام علي(ع) فرمود: خدمت پيامبراکرم(ص) بوديم، آن حضرت پرسيد: چه چيزي براي زنان نيکو و رواست؟حضرت فاطمه(س) پاسخ دادند: آن است که مردان نامحرم او را نبينند ونامحرمان نيز او را ننگرند.[32] و در پاسخ پدربزرگوارش آن هنگام که پرسيد: درکدام لحظه، زن به خدا نزديکتر است؟ در حالي که هيچ يک از صحابه نتوانستندپاسخ دهند، ايشان فرمودند: (اَدني ماتکون من ربها ان تلزم قعر بيتها؛[33] آن‏لحظه‏اي که زن در خانه خود مي‏ماند (و به امور زندگي و تربيت فرزندمي‏پردازد) .

در حفظ حريم‏ها و رعايت مَحرم و نامَحرم، حضرتش بهترين خط مشي رامي‏دهد. آن چنان که در روايت آمده: روزي مردي نابينا پس از اجازه گرفتن،وارد منزل امام علي(ع) شد. پيامبر مشاهده فرمود که حضرت زهرا(س)برخاست (لذا براي آن که سخن فاطمه‏اش تا ابد در جهان طنين اندازد)فرمود: دخترم اين مرد نابيناست. ريحانه نبي پاسخ داد: اِنْ لم يکن يراني فانّي اَراهُ‏و هو يشمّ الريح؛[34] (اگر او مرا نمي‏بيند من او را مي‏نگرم اگر چه او نمي‏بيند، امابوي زن را که استشمام مي‏کند.)

رسول گرامي(ص) فرمود: پس از شنيدن سخنان دخترش فرمود:شهادت مي‏دهم که تو پاره تن من هستي.

4 - 1. رعايت حجاب حتي پس از مرگ‏

يگانه زن عالم خلقت که در اوج عظمت و پاکدامني است و در دوران زندگي وحيات خويش آنقدر مواظبت مي‏نمايد، به پوشش در هنگام مرگ و موقع حمل‏جنازه نيز نظر دارد و از نحوه حمل جنازه بانوان ابراز نگراني مي‏کند. اسماء بنت‏عميس نقل مي‏کند: (روزهاي آخر زندگاني حضرت زهرا با او بودم. روزي مرابه ياد کيفيت حمل جنازه توسط مردم انداخت و ابراز نگراني کرد که چرا جنازه‏زن را روي تخته‏اي مي‏گذارند و بالاي دستِ مردان حمل مي‏کنند؟ و فرمودند:(من بسيار زشت مي‏دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روي تابوت روبازگذاشته و بر روي آن پارچه‏اي مي‏افکنند که حجم بدن را براي بينندگان نمايش‏مي‏دهد! مرا بر روي تابوت آنچناني نگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش‏جهنم باز دارد. آنگاه خطاب به همسرش (حضرت امير(ع) فرمود: به شمااي پسرعمويم وصيت مي‏کنم که براي من تابوتي درست کنيد همانطور که‏ملائکه شکل آن را به من نشان دادند. آنگاه اسماء نمونه کوچکي از تابوتي را که‏در حبشه مرسوم بوده درست کرد و به حضرت ارائه داد. حضرت زهرا خوشحال‏شدند و فرمودند: (اصنعي لي مثله اُسْتُريني سَتَرَک الله من النار[35]؛ براي من‏تابوتي مثل آن درست کن و مرا با آن بپوشان، خدا تو را از آتش دوزخ حفظنمايد.) و اين چنين حضرت به مردم زمان خود و بعد از خود درس عفت و حيامي‏دهد.

4 - 2. تأثيرات حجاب در ساختار جامعه‏

با حجاب اسلامي است که سلامت و آرامش بر جامعه حاکم مي‏شود. انسان‏ها ازگزند وسوسه‏ها دور مي‏مانند، عفت و حياء عمومي بر فرهنگ عمومي مردم سايه‏مي‏افکند، زن اقتدار مي‏يابد، عزت مي‏گيرد، شخصيت انساني خويش را باز يافته‏و از وسيله و ابزاري بودن رها مي‏شود.

هم چنانکه استاد شهيد مطهري در کتاب (مسأله حجاب) بر آن تأکيدورزيده، مي‏گويد:

آن چه اسلام مي‏گويد نه آن چيزي است که مخالفانِ اسلام، اسلام را بدان متهم‏مي‏کنند يعني محبوسيت زن در خانه و نه نظامي است که دنياي جديد آن را پذيرفته‏است و عواقب شوم آن را مي‏بيند يعني همان اختلاط زن و مرد در مجامع. اسلام‏مي‏گويد: نه حبس، نه اختلاط بلکه حريم. سنت جاري مسلمين از زمان رسول خداهمين بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمي‏شدند، ولي همواره‏اصل حريم رعايت شده است.[36]

پيشواي متقين امام علي(ع) در وصيتش به امام حسن(ع) درخصوص حفظ حريم زنان مي‏فرمايد:

با پوشيده داشتن زنان خود، نگاه آنان را محدود ساز، زيرا حجاب کامل در ثبات‏عفت آنان تأثير دارد و رفت و آمد بيرون خانه براي آنان بدتر از آن نيست که فرد غيرقابل اعتماد را در خانه آوري![37]

حضرت در اين جملات کوتاه خطرات گرايش دو جنس مخالف را گوشزد وهشدار مي‏دهد. استاد مطهري در ذيل اين عبارت حضرت امير(ع) مي‏گويد:

اين نوع جمله‏ها ارشاد به حقيقت روحي و رواني دو جنس است و شک نيست که‏حقيقتي را بيان مي‏کند. رابطه زن و مرد اجنبي سخت خطرناک است و گِلي است که‏پيلان بر آن مي‏لغزند.[38]

و به راستي که در خلقت زن حقيقتي نهفته است که بتواند در حفظ خانه وهمسر خويش از آن بهره گيرد و کانون خانواده‏اش را گرم نگه دارد.

5 . فاطمه(س) در عرصه زندگي و خانواده‏

فاطمه اطهر(س) در يک پيوند آسماني به تزويج علي(ع) درمي‏آيد.طبق روايات فراوان اگر علي(ع) نبود هم کفوي براي فاطمه نبود،[39] چرا که‏هر دو از نظر وجودي و کمال انساني، مقام دانش و فضيلت و رتبه عرفاني در يک‏مرتبه‏اند: (يا محمد لو لم اخلق علياً لما کان لفاطمه ابنتک کفو علي وجه الارض‏آدم فمن دونه) [40] ترجمه: اي محمد، اگر علي(ع) را نيافريده بودم براي‏فاطمه دخترت هم‏شأني در روي زمين از آدم(ع) و غير او نبود.

آري فقط يک شخص در مرتبه وجودي زهراي اطهر است و آن هم‏علي(ع) است که خداي بزرگ او را نيز از نور خود آفريد.[41]

فاطمه(س) با هم شأن خويش علي(ع) ابتدا در آسمان پيوندشان‏بسته شد سپس در زمين،[42] آنگاه زندگي مشترکشان را آغاز نمودند زندگي که‏در آن تمام حرکات و سکنات، آن دو بزرگوار الگو براي طالبان حق و تشنگان‏حقيقت جوست، که از اين زندگي و سازندگان آن مدد جسته و به آن تأسي‏نمايند و سنگ بناي زندگاني مشترک خويش را با عشق و محبت الهي حقيقي‏بنا نهند و در کسب شرف و عزت و صفات نيک، به سيره و سبک رفتار او در افکارو اعمال و اخلاق و... روي آورند.

5 - 1 . احترام و تکريم همسر

زهراي مرضيه که ازدواج را حفظ سنت پيامبر و کمک شايسته‏اي به زن درسير کمال معنوي مي‏داند، حفظ عزت و اقتدار همسر و تکريم او را نيز پايه‏هاي‏اين مهم مي‏دانست، لذا در لحظه‏هاي آغازين زندگي لب به ستايش همسرنمونه‏اش گشود و به شناساندن آن بزرگ مرد پرداخت و فرمود:[43]

1. افتخار و عزت والا. از آنِ ما شد و ما در ميان فرزندان عدنان سربلندشديم.

2. تو به بزرگي و برتري رسيدي و از همه آفريده‏ها والاتر شدي و جن و انس‏از عظمت تو عقب ماندند.

3. منظورم علي است، بهترين کسي که گام بر خاک نهاده است. بزرگوار و داراي‏احسان و نيکي.

4. والايي‏هاي اخلاقي و بزرگي‏ها از آن اوست، تا آنگاه که مرغان بر شاخه‏ها به‏ترنّم مشغول‏اند.

زنان مسلمان نيز با تأسي به اين بانوي رشيده عارفه، با ديده احترام و تکريم‏به همسر مي‏نگرند و همواره با عزت و اقتدار از او ياد مي‏کنند.

5 - 2 . آيين همسرداري‏

حضرت زهرا(س) معيار و ميزانِ ارزشمندي انسان را روابط شايسته بامردم و خانواده مي‏داند و به مردان مسلمان مي‏فرمايد: (خيارکم اَلْيَنَکُم مُناکَبَة واکرُمُهم لِنِسائِهم[44]؛ بهترين شما کساني‏اند که در برخورد با مردم نرم‏تر ومهربان‏ترين‏اند و نسبت به همسرانشان، بخشيده‏ترين و جوانمردترين‏هستند.) خود در خانه در برابر همسر در اوج ايثار و بخشش و مهرباني است وهيچ گاه درخواستي ندارد که همسر در برآوردنش به سختي نيفتد مي‏فرمايد:(يا اباالحسن اِنّي لَاَسْتَحْيي من الهي اَنْ اُکَلِّفَ نَفْسَکَ ما لا تَقْدِرُ عليه[45]؛ اي‏اباالحسن! من از پروردگارم حياء مي‏کنم چيزي را از تو درخواست نمايم که‏امکان انجام آن برايت فراهم نيست!) اين جلوه‏هاي فهم، انساني و براي همه‏زنان عالم و به ويژه آنها که مدال تشيّع بر سينه دارند، بسيار عبرت‏آموز است.رعايت همين نکات است که به زندگي برکت مي‏بخشد و آن را سرشار از نورعرفان و معنويت مي‏کند.

5 - 3 . ساده‏زيستي و زندگي ساده‏

فاطمه اطهر(س) در اوج عزت و اقتدار و عظمت، بسيار ساده مي‏پوشيد وساده زندگي مي‏کرد، تا آنجا که تعجب سلمان، - اين زاهدترين بنده خدا - رابرمي‏انگيزد؛ آنگاه که حضرتش را ديد که چادري وصله‏دار و ساده بر سر دارد ولب به سخن مي‏گشايد: عجبا دختران پادشاهان روم و کسري بر صندلي‏هاي‏طلا مي‏نشينند و لباسشان از حرير و ابريشم است و اين دختر رسول خداست نه‏چادري گرانبها دارد و نه لباسهاي زيبا! ريحانه نبي در پاسخش مي‏فرمايد: (ياسلمان، اِنّ اللّهَ ذَخَّرَ لَنا الثِيابُ و الْکَراسي لِيَومٍ آخِر[46]؛ اي سلمان! خداوند بزرگ‏لباسهاي زينتي و تخت‏هاي طلا را براي ما در روز قيامت ذخيره کرده است.)

سپس حضرت زهرا(س) خدمت پدر رفته و در ضمن نقل ابراز شگفتيِ‏سلمان به پدر، عرضه مي‏دارد:

اي رسول خدا سلمان از سادگي لباس من تعجب نمود، سوگند به خدايي که تو رامبعوث فرمود، درست پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندي است که روزهإ؛ن‏ن‏

ثفک‏ک‏بر روي آن شترمان علف مي‏خورد و شب‏ها بر روي آن مي‏خوابيم و بالش ما چرمي‏است که از ليف خرما پر شده است.[47]

در اين زندگي عليرغم فشارهاي سخت مادي، صفا و صميميت، عشق ومحبت سايه‏گستر است و به حق مي‏توان گفت که کليد آرامش و نظم و انضباط وصميميت در خانواده در دست زنان است و آرامش و آسودگي خاطر مردان ورشد و ارتقاءشان در تمام گستره‏هاي زندگي از عبادي، اقتصادي و... همه به‏دست و همت والاي همسرانشان است. روشن است که مردان در کسب‏موفقيت‏هاي مادي و معنوي‏شان وامدار همسرانشان هستند که با درايت وکياست و مديريت صحيح کانون خانواده را به بهشتي برين و مايه سکونت وآرامش افراد تبديل مي‏نمايند و از همين روست که در فرهنگ ديني‏همسرداري نوعي جهاد تلقي مي‏شود.

مقام معظم رهبري در اين باره مي‏فرمايد:

هر تلاشي که يک مرد در ميدان‏هاي مختلف انجام مي‏دهد به ميزان زيادي‏مرهون همکاري و همراهي و صبر و سازگاري همسر اوست. هميشه همين طور بوده‏است. فرموده‏اند: جَهادُ المِرأة حُسنُ التَّبَعُّل؛ حسن تبعّل يعني چه، جهاد زنان مبارز اين‏است که وقتي همسرانشان مسئوليت سنگيني دارند باري از اين سنگيني به دوش‏آن‏ها مي‏افتد و وقتي مرد خسته به خانه مي‏آيد و خستگي او در خانه ظاهر مي‏شودتحمل نمايد و آن را براي خدا تحمل کند اين مي‏شود حسن تبعّل.[48]

کلام آخر

پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله و حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها وامامان معصوم عليهم السلام، هم، راهِ سعادتِ دنيا و آخرت را به مردم‏نماياندند، و هم خود اولين گام زنان اين راه بودند. خود طي طريق کردند تا علاوه‏بر گفتار، در عمل هم به ما بياموزند که چگونه بايد گام برداشت، چگونه بايد زيبإ؛ننهکک‏ک‏زندگي کرد و چگونه بايد به سوي قرب الهي پر کشيد.

از خداوند بزرگ ياري مي‏طلبيم تا شناخت اولياء خاص خودش و به ويژه‏معصومين عليهم السلام را به همه مردم عنايت فرمايد و توفيقِ سرمشق قراردادنِ کردارشان را و عمل به گفتارشان را به عموم مردم، به ويژه شيعيان روزي‏کند.